

محمد عوض  
اعتمادی مالستانی

# در نظام قوی افغانستان جمعیت حقوقی رسانه‌های جایگاه

## چکیده

رسانه‌ها پیچیده‌ترین ابزار برای القای اندیشه‌ها و کارآمدترین وسیله برای تسخیر آرام جوامع هستند. در چند دهه اخیر با توجه به رشد سریع فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، هر روز بر پیچیدگی و کارآمدی این ابزار افزوده می‌شود. موضوع رسانه‌ها به عنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث مطرح در سطح جوامع در سال‌های اخیر، از زوایای گوناگون حقوقی، سیاسی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است که جایگاه حقوقی رسانه‌های جمعی در سیستم حقوقی افغانستان تبیین و بررسی شود. از این رو، با تأکید بر قوانین کشور حق آزادی رسانه‌های جمعی، حدود و قلمرو آن و رسیدگی قضایی به تخلفات و جرایم رسانه‌های تبیین و بررسی شده است. واژگان کلیدی: حقوق، جایگاه حقوقی، رسانه، رسانه‌های همگانی، مطبوعات، آزادی رسانه‌ها، افغانستان.

## مقدمه

در جهان امروز وسایل ارتباط جمعی، روزنامه، رادیو، تلویزیون و سینما با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی را بر عهده گرفته‌اند؛ به طوری که بسیاری از دانشمندان، عصر کنونی را «عصر ارتباطات» نامیده‌اند. از مهم‌ترین ابزارهای امروزی آگاهی و دانایی، رسانه‌ها هستند. زندگی در دنیای امروز بدون رسانه قابل تصور نیست. لذا نمی‌توان نقش رسانه‌های جمعی و خصوصاً رادیو، تلویزیون و اینترنت را در زندگی امروزی نادیده گرفت، بلکه باید به دنبال فرهنگ‌سازی بود. رسانه‌ها، به ویژه رادیو و تلویزیون، (رسانه دیداری و شنیداری)، تغییرات مهمی را در سیاست، تعلیم و تربیت، بازاریابی، اخبار، فرهنگ توده مردم، زندگی اجتماعی و خانوادگی ایجاد کرده است. امروزه استفاده از انواع رسانه چون رادیو، تلویزیون، کامپیوتر، تلفن همراه و... جزء انکارناپذیری از فعالیت‌های روزانه افراد است و به عنوان منبعی از اخبار باورکردنی، اطلاعات و تعلیمات مهم، آگاهی‌های دقیق اجتماعی، و برخی سرگرمی‌های لذت‌بخش پذیرفته شده است.

رسانه‌ها، عامل و سازمان‌هایی هستند که ارتباطات، ایده‌ها و اطلاعات و تصاویر دنیای ما را می‌سازند. رسانه‌ها، تار و پود نمادین زندگی اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند. در دنیای امروزی، جایگاه رسانه، ترویج افکار عمومی و ایجاد فضاهای مناسب برای گفتگو و برخورد سالم و سازنده نظرات و چندین نقش اساسی دیگر است.

رسانه‌ها، حکم آینه را ندارند؛ بلکه نقش نورافکن و نقش بالقوه معناداری در شکل‌گیری ادراک و افکار بازی می‌کنند. رسانه‌ها، تکثیر کنندگان شخصیت متحرک و قالب ذهنی متناسب با آن هستند. از این رو، در نوشته حاضر به مطالعه جایگاه حقوقی رسانه‌های همگانی در نظام حقوقی افغانستان پرداخته شده است. پیش از آن، مفاهیم اساسی و کلیدی بحث مورد توجه قرار گرفته است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

منظور از مفهوم‌شناسی یا ترمینولوژی، تعریف و تبیین مفاهیمی است که نقش محوری و کلیدی در فهم دقیق مسائل مطرح در پژوهش ایفا

می‌کند. بنابراین، مفاهیمی مانند حقوق، رسانه، مطبوعات، و... تحت این عنوان مفهوم‌شناسی می‌شود.

## ۱.۱. حقوق (Rights)

واژه حقوق، جمع حق و آن، در لغت به معنای راست، درست، ثابت، ضد باطل، یقین، عدل، نصیب، بهره و ثبوت اسمای خداوند آمده است (عمید، ۱۳۵۶: ۴۴۷). کلمه حقوق در زبان فارسی معانی مختلفی دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. حقوق به مجموعه قواعد و مقررات الزامی گفته می‌شود که حاکم بر روابط افراد جامعه و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی است. حقوق در این معنا که به عنوان حقوق ذاتی نیز می‌نامند، با واژه انگلیسی «Law» و لغت فرانسوی (Droit و Droito begetif) و نیز واژه عربی «قانون» معادل است. دو اصطلاح شریعت و شرع در حقوق اسلامی می‌تواند برابر این واژه باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۲).

ب. واژه حقوق در کاربرد دیگر، به امتیازات و اختیاراتی اطلاق می‌شود که افراد در جامعه از آن برخوردارند، مانند حق مالکیت، حق آزادی، حق رای و...، حقوق در این مفهوم که گاهی از آن به حقوق فردی نیز تعبیر می‌شود، مانند حقوق و آزادی‌های عمومی، حقوق ملت، حقوق و تکالیف مردم، معادل انگلیسی کلمه (Rights) و معادل فرانسوی آن، دو (Droits و Droits sabgetifits) است. فقیهان و حقوق‌دانان عرب‌زبان از واژه حقوق برای اشاره به همین معنا استفاده می‌کنند (کاتبی، بی‌تا: ۱۲۶).

ج. واژه حقوق در سومین کاربرد شایع خود به معنای «علم حقوق»، به دانشی گفته می‌شود که در مورد قوانین و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی بحث می‌کند (علوی، ۱۳۴۸: ۷). در ادبیات حقوقی؛ حق توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال و انجام کاری را از دیگری بخواهند (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱۶۱-۱۶۲).

در اصطلاح حقوق اسلامی، نیز حق توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به چیزی و یا کسی اعتبار شده است و به مقتضای آن می‌تواند در آن چیز یا کس تصرف نموده یا بهره‌ای برگیرد (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۲۵۶).

## ۱.۲. رسانه (Medium)

واژه رسانه در زبان فارسی، واژه نسبتاً جدیدی است. این واژه که گاه به صورت مفرد و گاهی به شکل جمع به کار می‌رود، معادل واژه (Medi-um) (رسانه) و نیز (Media) (رسانه‌ها) است. این واژه امروزه معمولاً به رسانه‌های ارتباطی (Communication Media) اشاره دارد. همان طوری که از واژه رسانه هم مشخص است، رسانه به معنی رساندن است؛ رساندن حرف‌ها، پیام‌ها و دیدگاه‌های من و شما به فرد یا افراد دیگر، اما رسانه به معنی عام آن، به هر وسیله اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها ارتباط انسانی برقرار می‌گردد. (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۷). رسانه به وسایل انتقال پیام‌ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می‌شود که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، اینترنت و... است (دادگران، ۱۳۸۴: ۶).

قانون‌گذار افغانستان نیز در قانون رسانه‌های همگانی، رسانه را چنین تعریف کرده است: «رسانه: وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل آتی است:

۱. رسانه برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و اینترنت؛
۲. رسانه چاپی: روزنامه، جریده هفته‌نامه، نشریه پانزده روزه، ماهنامه، گاهنامه، فصل‌نامه، سال‌نامه، پوستر و خبرنامه.» (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۸: ماده ۳).

بنابراین تعریف، رسانه، در قانون رسانه‌های همگانی، به مفهوم عام آن یعنی هر وسیله ارتباط انسانی، به کار رفته است.

### ۱.۳. مطبوعات (Matbouaite)

واژه مطبوعات در دو معنی به کار رفته است. مطبوعات در معنی خاص؛ معمولاً به نشریات ادواری مانند روزنامه و مجله اطلاق می‌شود؛ ولی مطبوعات به معنی عام؛ علاوه بر مطبوعات ادواری، شامل کتاب، اعلان، فیلم و نمایش نامه (سینما و تئاتر) نیز می‌شود و حتی رادیو و تلویزیون را به اعتبار این که از وسایل جدید انتشار عقاید و افکارند، نیز دربر می‌گیرد (طباطبایی مؤتمنی، پیشین: ۱۰۱).

قانون‌گذار افغانستان در قانون رسانه‌های همگانی مصوب ۱۳۸۴، مطبوعات را ناظر به معنی عام آن، چنین تعریف می‌کند: «مطبوعات: آن حروف و اشکال چاپ شده‌ای است که مطالب یا صورتی را افاده نموده و شامل تمام وسایل ارتباط همگانی مانند روزنامه، جریده، مجله، رساله، کتاب، موعظه، خطابه و بیانیه باشد.» (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۴، ماده ۳).

### ۲. اهمیت رسانه‌های جمعی

رسانه‌های همگانی و مطبوعات، مظهر تمدن و نشانه رشد، بالندگی و بیداری یک ملت است. میزان توسعه و رشد مطبوعات هر ملتی، بیان‌گر رشد و آگاهی آن ملت است و درباره هر ملتی از روی مطبوعات آن می‌توان قضاوت کرد. در اهمیت کتاب و نوشته همین بس که خداوند در قرآن به قلم و نوشته به عنوان یک پدیده پاک و والا سوگند می‌خورد که بیان‌گر ارزش کتاب و نوشته است، آن‌جا که می‌فرماید: «ن والقلم و ما یسطرون.» (قلم/۱).

مطبوعات و رسانه‌های جمعی یکی از وسایل مؤثر نظارت بر امور عمومی و حکومت و در حکم چشم و گوش ملت محسوب می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲، ۱۰۱-۱۰۲). از سویی هم حکومت را قادر می‌سازد تا تماس با مردم را حفظ کند و انتقادات و پیشنهادهایی برای بهبود امور عرضه دارد. یکی از نویسندگان معاصر رسانه‌های جمعی را عامل مؤثر جامعه‌پذیری سیاسی می‌داند و می‌گوید: «نظام کنترل شده رسانه‌های جمعی

نقش بسیار مؤثری در جامعه‌پذیری سیاسی بازی می‌کند. رسانه‌های جمعی در ایجاد یک پارچگی و هماهنگی نظریات افراد نسبت به نظام سیاسی می‌توانند با اهمیت باشند. در همه کشورهای دارای تکنولوژی ارتباط جمعی، رسانه‌ها در شکل دادن جهت‌گیری اصلی و افکار خاص

بیش‌ترین مردم، نقش مستقیمی دارند. بنابراین، رسانه‌های جمعی مناسب‌ترین روش موجود برای جامعه‌پذیری است و عامل قاطع نوسازی به شمار می‌رود (عالم، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

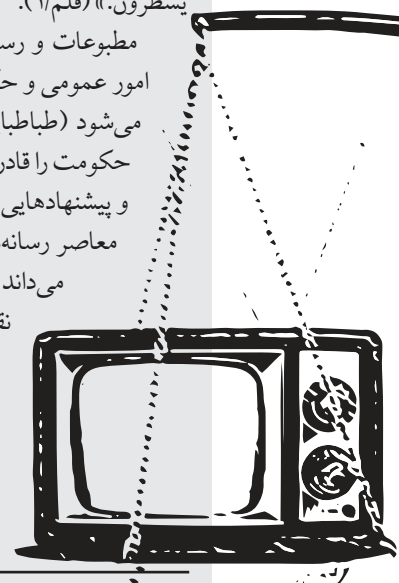
منتسکیو حقوق‌دان و متفکر مشهور فرانسوی، مطبوعات را به جهت نقشی که در نظارت بر امور عمومی ایفا می‌کند و به عنوان قدرتی در برابر او ظاهر می‌شود، نیرویی در حکومت تلقی می‌کرد و آن را جز آزادی‌های سیاسی می‌شمرد. مکتب لیبرالیسم (آزادی‌گرایی) مطبوعات و رسانه‌های گروهی را پایه و اساس رژیم دموکراسی تلقی می‌کند و برای او احترام زیادی قابل است؛ زیرا بدون دستیابی به اطلاعات و اخبار درست، قضاوت درست درباره امور و تصمیم‌گیری‌های عمومی و سیاسی و در نتیجه اجرای دموکراسی امکان‌پذیر نیست (طباطبایی، پیشین: ۱۰۲).

### ۳. پیشینه تاریخی رسانه‌های جمعی در افغانستان

در افغانستان عمر رسانه‌ها و مطبوعات از عصر امیر شیرعلی خان (۱۸۶۸-۱۸۷۹م) فراتر نمی‌رود. در دوران حکم‌روایی شیرعلی خان که به نام شاه منور معروف بود، با پیروی از نظریات خردمندانه سید جمال‌الدین افغانی، به نگارندگی مولوی عبدالعلی، جریده «شمس‌النهار» به نشرات آغاز کرد (رسولی، ۱۳۹۳: ۷۶). پس اولین جریده افغانستان، جریده «شمس‌النهار» است. آقای محمدکاظم آهنگ در این مورد می‌نویسد: «مفکوره نشر یک اخبار توأم با یک پروگرام اصلاحی از طرف سید جمال‌الدین افغانی به امیر شیرعلی خان پیشنهاد گردید. البته امیر موصوف ضمن سایر جهات و مفردات پروگرام با نشر اخبار هم موافقت کرد و بالاخر «شمس‌النهار» شروع به فعالیت نمود.» (آهنگ، ۱۳۴۷: ۲۷۶) ولی در تاریخ انتشار آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. میر غلام محمد غبار سال انتشارش را ۱۸۷۵م، و میر محمدصدیق فرهنگ و عبدالحی حبیبی ۱۸۷۳م، برابر با ۱۲۹۰ق، می‌دانند (دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۸۴) دومین جریده، تقریباً بیست‌وهشت سال پس از مرگ امیر شیرعلی خان به نام «سراج‌الانخبار» به تاریخ ۲۱ جدی ۱۲۸۴، به مدیریت مولوی عبدالرؤف مدرس مدرسه شاهی کابل متولد شد. اما انتشار آن پس از یک شماره متوقف شد.

سپس در عصر امیر امان‌الله خان، محمود طرزی جهت کنترل افکار عامه به انتشار جریده‌ای با نام «سراج‌الانخبار» دست زد. سومین جریده «سراج‌الاطفال» بود که در حقیقت برای رشد فکری دانش‌آموزان و شاگردان مکاتب آن وقت تأسیس گردیده بود. بدین ترتیب، نشریات افغانستان از آغاز تا عصر امان‌الله خان همین سه نشریه بوده‌اند. پس از مرگ امیر حبیب‌الله خان نشریات سیر صعودی یافت تنها در عصر امان‌الله خان بیست‌وسه جریده در شهرهای مختلف کشور وجود داشته است.

در مورد سابقه رادیو، تلویزیون و سینما باید گفت: بنیاد و اساس کار رادیو کابل در زمان امان‌الله خان گذاشته شد؛ ولی فعالیت‌های رسمی آن در سال ۱۳۱۸، که ریاست مطبوعات به وجود آمد، شروع شد. تلویزیون افغانستان در زمان ریاست جمهوری داوود خان تأسیس و فعالیت‌های آزمایشی آن در ماه حمل سال ۱۳۵۷ شروع شد. اما افتتاح رسمی آن در ۲۸ اسد ۱۳۵۷ به مناسبت سالروز استقلال افغانستان صورت گرفت.



اولین سینما نیز در عصر امان‌الله خان راه‌اندازی شد. تاریخ دقیق آن روشن نیست؛ ولی طبق اسناد و مدارک موجود بین سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۰، بوده است (همان، ۶۶۳-۶۶۴).

اولین قانون مطبوعات افغانستان نیز در زمان امان‌الله خان در ۱۰ جدی ۱۳۰۳، با عنوان نظام‌نامه مطبوعات وضع و تصویب گردید (فرهنگ، ۱۳۸۵: ۱ و ۲، ۵۹۳). در سال ۱۹۵۰م، (۱۳۲۸) قانون مطبوعات توسط شورای ملی تصویب و به موجب آن برای نشرات غیر دولتی اجازه انتشار داده شد. کلیفورد مری لوئیس (Cliford Mary louise) در مورد ویژگی‌های قانون اساسی محمدظاهر شاه می‌نویسد: «مهم‌ترین ممیزات این قانون اساسی عبارت بودند از تفکیک قوای سه‌گانه، ممنوع کردن واگذاری مناصب عالی کشور به اعضای خانواده سلطنتی و تصریح بر ضرورت مطبوعات آزاد و احزاب سیاسی مستقل.» (مری لوئیس، ۱۳۶۸: ۱۸۵)؛ اما در عصر پساتالبان، به موجب حکم ماده ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان که، دولت را مکلف دانسته است که برای تنظیم امور مربوط به آزادی بیان، تأمین حقوق اساسی اتباع کشور، نحوه فعالیت‌های رسانه‌ها و حقوق و تکالیف آن‌ها قانون خاصی را تدوین، تصویب و تطبیق کند، در سال ۱۳۸۰ قانونی به نام قانون مطبوعات از طرف اداره موقت در ۴۹ ماده به تصویب رسید و در جریده رسمی شماره ۸۰۰ مورخ ۱۸ حوت همان سال نشر شد.

استاد سرور دانش درباره قانون رسانه‌های همگانی می‌نویسد: «قانون رسانه‌های همگانی در طول نه سال گذشته، بیش از هر قانون دیگری مورد توجه بوده است تا جایی که تا کنون چهار بار مورد تعدیل و بازنگری قرار گرفته است.

۱. بار اول در سال ۱۳۸۰ به نام قانون مطبوعات از طرف اداره موقت در ۴۹ ماده به تصویب رسید و در جریده رسمی شماره ۸۰۰ مورخ ۱۸ حوت همان سال نشر شد.

۲. در سال ۱۳۸۳ بازنگری شده و به نام قانون رسانه‌های همگانی در ۴۳ ماده به تصویب رسید و در جریده رسمی شماره ۸۲۴ مورخ ۱۵ حمل همان سال نشر شد.

۳. بار سوم در سال ۱۳۸۴ بازنگری شد و در ۴۲ ماده به تصویب رسیده و در جریده رسمی شماره ۸۷۱ مورخ ۱۵ جدی ۱۳۸۴ نشر شد.

۴. برای بار چهارم در سال ۱۳۸۷ بعد از بحث و تبادل افکار زیادی بین حکومت و پارلمان کشور، در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۱۰ با دو سوم آرای نمایندگان در ۵۴ ماده به تصویب رسید و بعد از اظهار نظر تفسیری استر، محکمه (دیوان عالی کشور)، در جریده رسمی شماره ۹۸۶ مورخ ۱۵ سرطان ۱۳۸۸، نشر شد که فعلاً نافذ است.» (دانش، ۱۳۹۱: ۵۴۵-۵۴۶).

#### ۴. کارکردهای رسانه‌های جمعی

رسانه‌های همگانی ابزار انعکاس دهنده افکار و اندیشه‌های افراد و گروه‌هایی هستند که پیام و خطاب به عموم دارند؛ روابط گسترده‌ای را بین افراد، جامعه و دولت فراهم می‌کنند و مجموعه‌ای از حقوق فردی، صنفی، اجتماعی و سیاسی را پدیدار می‌سازند. بدین ترتیب، رسانه‌های همگانی شبکه وسیع ارتباطی در ابعاد و زوایای مختلف

فرهنگی، دینی، علمی، تجربی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... را فرا می‌گیرد. رسانه‌های گروهی دارای کارکردهای گوناگونی می‌باشند که از جمله مهم‌ترین آن عبارتند از:

#### ۱. ۴. کارکرد فرهنگی

اگر فرهنگ را مجموعه‌ای منسجم از آرا، عقاید، ارزش‌ها، هنر، آداب و رسوم که توسط غالب افراد جامعه پذیرفته شده‌اند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، بدانیم که ارائه مباحث نظری درباره هر یک از موارد یاد شده را می‌توان کارکرد فرهنگی رسانه‌ها به حساب آورد. امروزه بسیاری از افراد جامعه، بخش عمده معلومات خود را مرهون برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و یا بهره‌گیری از رسانه‌های نوشتاری هستند و این امر در مورد قشر کودک و نوجوان به آسانی قابل مشاهده است؛ زیرا آنان بیش از دیگر اقشار جامعه، وقت خویش را صرف دیدن تلویزیون می‌کنند.

**بنیاد و اساس کار رادیو کابل در زمان امان‌الله خان گذاشته شد؛ ولی فعالیت‌های رسمی آن در سال ۱۳۱۸، که ریاست مطبوعات به وجود آمد، شروع شد. تلویزیون افغانستان در زمان ریاست جمهوری داوود خان تأسیس و فعالیت‌های آزمایشی آن در ماه حمل سال ۱۳۵۷ شروع شد؛ اما افتتاح رسمی آن در ۲۸ اسد ۱۳۵۷ به مناسبت سالروز استقلال افغانستان صورت گرفت.**

#### ۲. ۴. کارکرد سیاسی

در عصر حاضر، رسانه‌ها با بهره‌گیری از قدرت تأثیر فوق‌العاده خود، به راحتی می‌توانند جریان‌ات و گرایش‌های سیاسی را برای مخاطبان خود راهبری یا تبیین کنند. عینی‌ترین کارکرد رسانه‌ها در دنیای امروز در همین بخش ظاهر شده و به تعبیر تافلر (Taffler)، بشر امروز کاملاً از رسانه‌ها منفعل است، به خصوص در بعد دموکراسی و امور سیاسی آیینة تمام‌نمای رسانه‌ها است (تافلر، ۱۳۷۵: ۳۱۴).

آند با یک نگاه گذرا به تاریخ سیاسی معاصر، به خوبی می‌توان دید که بسیاری از منازعات و کشمکش‌های سیاسی با یاری و یا هدایت و پرچم‌داری رسانه‌ها تبدیل به جریان‌ات قومی-سیاسی شده و یا تعدیل و حتی خاموش گردیده‌اند (فخار طوسی، ۱۳۸۱: ۵).

از سوی دیگر طرح و بررسی وضع جامعه و یافتن بهترین راه‌حل زندگی اجتماعی، اطلاعات هیأت حاکمه از خواسته‌های طبقات مختلف مردم و طرد و نفی خودمحوری و خودکامگی و حاکمیت افکار سالم عمومی بر اعمال حکومتی، را می‌توان از کارکردهای سیاسی رسانه‌های جمعی دانست. بدین ترتیب می‌توان آزادی رسانه‌ها و مطبوعات را یکی از شروط لازم برای تقویت حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی و عمومی مردم دانست. میرابو (Mirabeau) سیاست‌مدار فرانسوی با بیان این‌که آزادی

۱۳۹۲: ۱۲۸).

امروزه قسمت عمده‌ای از انتظارات مخاطبان رسانه‌ها، دریافت اخبار و اطلاعات روزمره است. از این نظر، رسانه‌های جمعی را دارای حضور بسیار جدی و مؤکد در متن زندگی خود می‌دانند. افراد جامعه غالباً اطلاعات لازم را از طریق رسانه‌های نوشتاری و تصویری و یا صوتی به دست می‌آورند. برای مثال، اگر هر دو فرد بنا به گرایش‌هایی که آن‌ها دارند هر چند نخواهد از برنامه‌های تلویزیونی بهره بگیرد، دست کم اخبار آن را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین، می‌توان کار ویژه‌های هم‌چون؛ افزایش معلومات عمومی مردم، ایجاد برخورد اندیشه‌ها و ارتقای سطح فکری جامعه، را برای رسانه‌های همگانی نام برد.

#### ۴.۴. کارکرد تفریحی

شنیدن و دیدن فیلم‌ها، نمایش‌نامه‌ها، مسابقات و سرگرمی‌ها، سرودها و اشعار مفرح که از طریق رسانه‌های صوتی و تصویری پخش می‌شوند، در کنار مطالعه و ملاحظه قصه‌ها، که در مطبوعات چاپ و منتشر می‌گردند، قسمت زیادی از اوقات فراغت افراد را به خود اختصاص داده‌اند، به گونه‌ای که امروزه بسیاری از افراد برای پر کردن اوقات فراغت خود به رسانه پناه می‌برند و از طریق مشاهده برنامه‌های تفریحی، خود را سرگرم می‌کنند.

#### ۵. انواع رسانه‌های جمعی

##### ۵.۱. مطبوعات

یکی از انواع رسانه‌های گروهی مطبوعات است. امروزه مطبوعات اهمیت خاصی یافته است. برای نشان دادن اهمیت سیاسی مطبوعات، بر آن نام «رکن چهارم دموکراسی» نهاده‌اند (دوورژه، ۱۳۴۹: ۱۶۵). لیپمن روزنامه را «کتاب مقدس دموکراسی» نامید. آزادی مطبوعات بخشی از آزادی اطلاعات و آن هم یکی از حقوق بنیادین شهروندان شمرده شده است (عالم، پیشین)

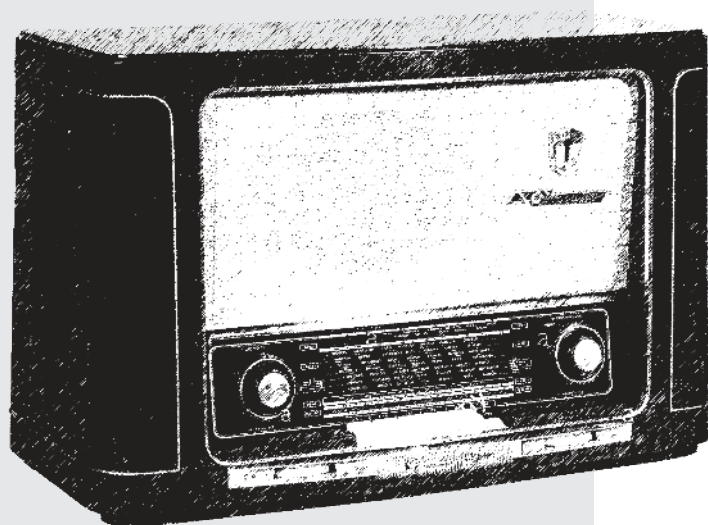
##### ۵.۲. رادیو (RADIO)

رادیویکی از رسانه‌های جمعی ارتباطی است که به وسیله آن نفوذ زیادی بر مردم گذاشته می‌شود. آنچه را که روزنامه‌ها می‌نویسند، رادیوها و تلویزیون‌ها به‌طور شفاهی مطرح می‌کنند. از راه پخش اخبار، اطلاعات و نظریات، توده‌های بی‌سواد و یا کم‌سواد جامعه نیز از آن‌چه در کشور و جهان رخ می‌دهد، آگاهی می‌یابند و مطلع می‌شوند.

بنیاد اندیشد در واقع رادیو و تلویزیون میان مردم و حکومت تماس زنده برقرار می‌کنند. کوری (J. A. Cory) می‌نویسد: «برخی ناظران تا آن‌جا پیش رفته‌اند که نظر داده‌اند رادیو آن تماس مستقیم میان رهبران سیاسی و پیروان را که مشخصه دموکراسی آتن بود، دوباره برقرار کرده است.» (عالم، پیشین: ۳۷۲).

##### ۵.۳. تلویزیون و سینما

یکی از رسانه‌های ارتباط جمعی تلویزیون و سینما است. یکی از دانشمندان علوم سیاسی در مورد اهمیت تلویزیون و سینما می‌گوید: «امروزه مطبوعات شنیدنی (رادیو) و مطبوعات دیدنی (تلویزیون، سینما و هفته‌نامه‌های مصور) به همان اندازه مؤثرند که مطبوعات نوشتنی؛ آن‌ها نیز جز و رکن چهارم دموکراسی‌اند. این طریق نشر اخبار و افکار که نتیجه



بدون شک موارد قانونی فوق از یکسو، بیان‌گر توجه قانون‌گذار کشور به حفظ آزادی‌های رسانه‌های همگانی است و از سوی هم اهمیت و جایگاه حقوقی رسانه‌های جمعی را در سیستم حقوقی کشور نشان می‌دهند. حال پرسش اساسی این است که حدود و قلمرو آزادی رسانه‌ها تا کجاست؟ تا چه حدی رسانه‌ها آزادند؟

بنیاد اندیشد

رسانه‌های جمعی و مطبوعات از جمله آزادی‌هایی است که بدون آن، به دیگر آزادی‌ها نمی‌توان دست یافت، بنیادی بودن این آزادی را مورد تأکید قرار داده است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۴۵).

#### ۴.۳. کارکرد اطلاعاتی

اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی نسبت به مسائل و معضلات جامعه و بسیج آن، بر ضد ظلم و فساد اجتماعی؛ یکی از کارکردهای مهم رسانه‌ها است که در قالب گزارش‌های خبری، اطلاعات لازم را پیرامون حوادث و رخداد‌های روز به مردم منتقل می‌کند. (ناصری،

شیوه‌های فنی جدید است، سلاح سیاسی بسیار نیرومندی را تشکیل می‌دهند (دوورژه، پیشین).

## ۶. جایگاه رسانه‌های همگانی در نظام حقوقی افغانستان

با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه مطبوعات و رسانه‌های جمعی، جایگاه حقوقی رسانه‌های همگانی در سیستم حقوقی افغانستان در سه محور اساسی؛ آزادی رسانه‌های جمعی، قلمرو آزادی آن‌ها و رسیدگی به تخلفات و جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای، طرح و تبیین می‌شود.

### ۱. ۶. آزادی رسانه‌های جمعی

به طور کلی، وجود مطبوعات و رسانه‌های جمعی آزاد و بی‌طرف برای موفقیت حکومت دموکراتیک ضروری است؛ زیرا خبرها باید به درستی ارائه شود تا شهروندان توانایی قضاوت درست و سالم داشته باشند. بنابراین، آزادی رسانه‌های جمعی و مطبوعات از اصول بنیادین و حق غیر قابل سلبی است که قوانین اساسی کشورها به‌طور جدی آن را مورد تأکید قرار داده‌اند و قانون‌گذار اساسی کشور ما نیز با اعلام آن به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم، آزادی رسانه‌های همگانی و به‌طور کلی نشر افکار، اندیشه‌ها و... را به رسمیت شناخته و مقرر داشته است: «هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی، اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب بدون ارائه قبلی آن، به مقامات دولتی بپردازد.» (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ماده ۳۴).

قانون‌گذار افغانستان درباره حق آزادی فکر و بیان و حمایت از آزادی رسانه‌های همگانی چنین مقرر داشته است: «۱. هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله، ایجاد محدودیت و تهدید از طرف مسئولان دولتی شامل این حق است. این حق دربرگیرنده فعالیت آزاد وسایل بخش، توزیع و دریافت معلومات نیز می‌شود. ۲. دولت آزادی رسانه‌های همگانی را حمایت، تقویت و تضمین می‌نماید.» (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۸، ماده ۴). در جای دیگری آزادی ژورنالیستان را به رسمیت شناخته و مقرر می‌دارد: «ژورنالیستان در اجرای فعالیت‌های مسلکی مربوط به نشر گزارش‌ها و نظریات انتقادی مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد (همان، ماده ۶، بند ۱). در مورد ایجاد و تشکیل اتحادیه، انجمن و کانون مستقل صنفی ژورنالیستان می‌گوید: «ژورنالیستان و سایر اعضای رسانه‌های همگانی می‌توانند، به منظور دفاع از منافع صنفی مربوط مطابق احکام قانون اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و کانون‌های مستقل صنفی را ایجاد نمایند.» (همان، ماده ۹). ماده ۲۱ قانون مزبور آزادی شغلی رسانه‌های خصوصی را در چارچوب رعایت احکام قانون به رسمیت شناخته است. هم‌چنین قانون‌گذار کشور، اهداف قانون رسانه‌های همگانی را با تأکید بر مطابقت آن، با احکام قانون اساسی و میثاق‌های بین‌المللی، در ادامه بیان می‌کند.

۱. حمایت و تضمین حق آزادی فکر و بیان.

۲. حمایت از حقوق ژورنالیستان و تأمین شرایط فعالیت آزاد رسانه‌ها.

۳. ترویج و انکشاف رسانه‌های همگانی، آزاد، مستقل و کثرت‌گرا.

۴. فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای اظهار فکر و احساس اتباع

کشور و انعکاس حقایق، به طور عادلانه توسط گفتار، نوشته، رسم، تصویر، ثبت روی نوار، تمثیل، حرکت و سایر پدیده‌های علمی، ادبی، هنری و طبع و نشر.

۵. رعایت اصل آزادی بیان و رسانه‌های همگانی مسجل در اعلامیه جهانی حقوق بشر با رعایت اصول و احکام دین مقدس اسلام.

۶. کمک به منظور رشد سالم رسانه‌های همگانی به نحوی که بتوانند وسایل مؤثر نشر اخبار صحیح، اطلاعات، آموزش، تربیت و شکوفایی علم و ثقافت در کشور بوده، نظریات مردم را مطابق با معیارها، اصول و ارزش‌های ژورنالیستی (صداقت، بی‌طرفی و توازن) انعکاس دهد.» (همان، ماده ۲).

بنابراین، حمایت از روزنامه‌نگاران در اجرای فعالیت‌های مسلکی شان، حمایت از آزادی بیان و آزادی رسانه‌های همگانی دولتی و خصوصی و هم‌چنین حمایت از ایجاد اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و کانون‌های مستقل صنفی توسط ژورنالیستان و اعضای رسانه‌های جمعی و محورهای یاد شده در ماده ۲ قانون رسانه‌ها که از سوی قانون‌گذار، به عنوان اهداف قانون مذکور، در آن بیان شده، نشان‌گر اهمیت و جایگاه حقوقی رسانه‌های جمعی و مطبوعات در نظام حقوقی افغانستان است. علاوه بر آن‌ها، در قانون رسانه‌های همگانی مصوب ۱۳۸۸، ساختار نظارتی برای حفظ استقلال و بی‌طرفی در نظارت بر فعالیت‌های رسانه‌ها و حل و فصل تخطی‌های رسانه‌ای پیش‌بینی شده است. در این ساختار، یک شورای عالی رسانه‌ها برای طرح و تدوین سیاست رسانه‌ای کشور، یک کمیسیون رسانه‌های همگانی به‌منظور تنظیم بهتر فعالیت‌های رسانه‌ها و یک کمیسیون خاص برای رادیو و تلویزیون ملی، در نظر گرفته شده است (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۸، مواد ۴۱، ۴۲، ۴۳ و ۴۴). قانون‌گذار افغانستان در قانون رسانه‌های همگانی مصوب ۱۳۸۴، در راستای حمایت از آزادی رسانه‌های جمعی، وزارت اطلاعات و فرهنگ را مکلف به تأمین تسهیلات لازم برای فعالیت‌های رسانه‌ها، دانسته بود: «وزارت اطلاعات و فرهنگ مکلف است به منظور تحقق فعالیت آزاد نشرات رسانه‌های همگانی داخلی و خارجی تسهیلات ممکنه را فراهم نماید.» (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۴، ماده ۳۹)؛ اما با کمال تأسف در بازنگری سال ۱۳۸۸، این ماده حذف گردیده است. در حالی که وجود این ماده در جهت حمایت از آزادی‌های رسانه‌های جمعی ضروری به نظر می‌رسد.

بدون شک موارد قانونی فوق از یک‌سو، بیان‌گر توجه قانون‌گذار کشور به حفظ آزادی‌های رسانه‌های همگانی است و از سوی هم اهمیت و جایگاه حقوقی رسانه‌های جمعی را در سیستم حقوقی کشور نشان می‌دهند. حال پرسش اساسی این است که حدود و قلمرو آزادی رسانه‌ها تا کجاست؟ تا چه حدی رسانه‌ها آزادند؟ در زیر به پاسخ این پرسش اشاره می‌شود.

### ۲. ۶. قلمرو آزادی رسانه‌های جمعی

یکی از مباحث اساسی بحث حدود و قلمرو آزادی رسانه‌های همگانی است. به عبارتی؛ حدود و شرایط نشر مطالب در رسانه‌ها، یکی از بحث‌های اساسی، بنیادین و عمومی است. قانون‌گذار کشور، در قانون

۴. آثار و مطالبی که افترا به اشخاص حقیقی یا حکمی بوده و سبب متضرر شدن شخصیت و اعتبار آنان گردد.

۵. آثار و مطالبی که مغایر قانون اساسی بوده و در قانون جزا جرم محسوب شود.

۶. تبلیغ و ترویج ادیان دیگر غیر از دین مقدس اسلام.

۷. افشای هویت و پخش تصاویر قربانیان خشونت و تجاوز، به نحوی که به حیثیت اجتماعی آنان صدمه وارد نماید.

۸. آثار و مطالبی که به امنیت روانی و سلامت اخلاقی افراد جامعه، خصوصاً اطفال و نوجوانان آسیب می‌رساند. (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۸، ماده ۴۵). مواد ۱۵ و ۱۶ در مورد وظایف رادیو و تلویزیون ملی و ماده ۲۰ در مورد وظایف و مکلفیت‌های رادیو و تلویزیون‌های خصوصی، نیز حدود و قلمرو آزادی آنان را مشخص و تعیین می‌نماید. چنانچه ملاحظه گردید، این موارد به‌خوبی بیانگر حدود و قلمرو آزادی رسانه‌های جمعی است. بنابراین، مغایرت با اصول اسلام و قانون اساسی، هتک حرمت و توهین به اشخاص (حقیقی و حقوقی)، ادیان و مذاهب، افترا به اشخاص (حقیقی و حقوقی)، احترام به حیثیت افراد جامعه، امنیت روانی و سلامت اخلاقی جامعه خطوط قرمزی است که از سوی قانون‌گذار، فرا روی رسانه‌های همگانی و مطبوعات قرار داده شده و حدود و قلمرو آزادی آن‌ها را تعیین می‌کند. بنابراین، تخلف، تجاوز و تعدی از این خطوط قرمز و حدود، جرم بوده و پیگرد قانونی را به‌دنبال دارد. اینک، مکانیسم پیش‌بینی شده، از سوی مرجع قانون‌گذاری کشور، برای رسیدگی قضایی به تخلفات و جرایم رسانه‌ای و مطبوعاتی بررسی می‌شود.

### ۳. ۶. رسیدگی به تخلفات و جرایم رسانه‌های جمعی

قانون‌گذار افغانستان در قانون رسانه‌های همگانی مصوب سال ۱۳۸۴ ش، به منظور حمایت از آزادی بیان، فکر و حفظ حقوق اصحاب رسانه، تشکیل کمیسیون ویژه‌ای را جهت بررسی اتهام وارده، تشخیص تخلفات و جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای، پیش‌بینی نموده و مقرر داشته بود:

۱. به منظور بررسی تخلفات مندرج این قانون، کمیسیون بررسی به ترکیب ذیل تشکیل می‌گردد:

۱. وزیر اطلاعات و فرهنگ به حیث رئیس؛

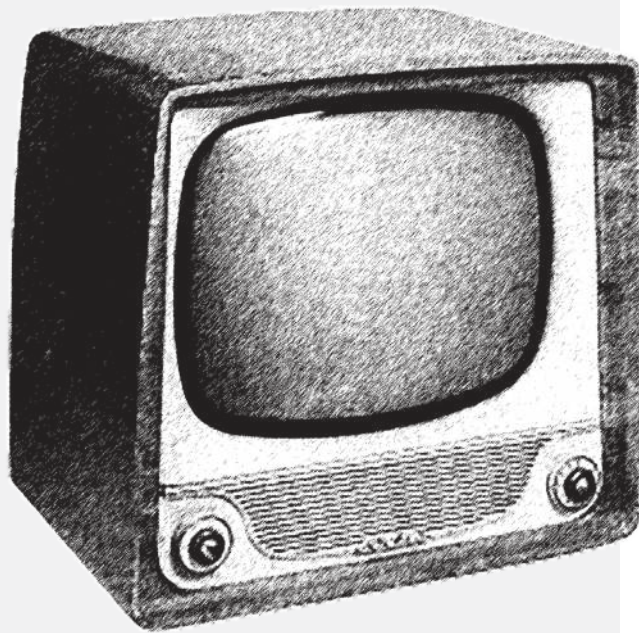
۲. نماینده آکادمی علوم افغانستان به حیث عضو؛

۳. دو تن از نمایندگان دانشکده روزنامه نگاری به حیث اعضا؛

۴. نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به حیث عضو.

۵. دو تن از نمایندگان اتحادیه روزنامه‌نگاران به حیث اعضا. (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۸، ماده ۴).

۲. کمیسیون مندرج فقره (۱) این ماده، تخلفات مندرج از احکام این قانون را بررسی می‌نماید. هرگاه موضوع ایجاب تعقیب عدلی را نماید، جریان غرض رسیدگی به مرجع عدلی ارجاع می‌شود؛ اما در بازنگری قانون مزبور در سال ۱۳۸۸، این حق (بررسی اتهام تخلفات و جرایم مطبوعاتی) به کمیسیون رسانه‌های همگانی محول شده است. بندهای ۴ و ۵ ماده ۴۳ قانون مزبور مصوب ۱۳۸۸، که وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مذکور را احصا می‌نماید، چنین مقرر می‌دارد: (۴...۰. رسیدگی



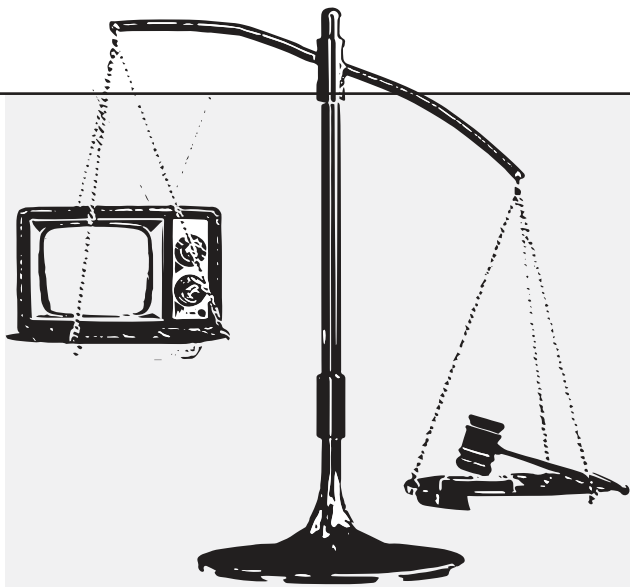
برایند پژوهش نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان برای رسانه‌های جمعی، جایگاه ویژه‌ای قایل است. چنان‌که قانون رسانه‌های همگانی، بیش از هر قانون دیگری مورد توجه بوده است تا جایی که تا کنون چهار بار مورد تعدیل و بازنگری قرار گرفته است. این تعدیل و بازنگری‌های متعدد نشانه اهمیت و جایگاه ویژه رسانه‌های جمعی در نظام حقوقی افغانستان است.

رسانه‌های همگانی، حدود و قلمرو آزادی را مشخص کرده است. در قانون مزبور درباره آثار و مطالبی که تولید، چاپ و نشر آن ممنوع است، آمده است: «تولید، تکثیر، چاپ و نشر گزارش‌ها و مطالب ذیل در رسانه‌های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده ۲۷ این قانون جواز ندارد:

۱. آثار و مطالبی که مغایر با اصول و احکام دین مقدس اسلام باشد.

۲. آثار و مطالبی که موجب توهین به سایر ادیان و مذاهب باشد.

۳. آثار و مطالبی که موجب هتک حرمت، تحقیر و توهین به اشخاص حقیقی یا (حقوقی) حکمی گردد.



## ب. مسئولیت کیفری در جرایم رسانه‌ای در پرتو قوانین

### افغانستان

قانون‌گذار افغانستان در موضوع مسئولیت کیفری در قلمرو جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای، از میان دیدگاه‌ها و نظریات موجود، نظریه مسئولیت شخص واحد یا به تعبیر گارو فالو حقوق‌دان فرانسوی؛ «سیستم مجازات بر اساس غفلت» را پذیرفته است. به موجب ماده ۳۹ قانون رسانه‌های همگانی (مصوب ۱۳۸۸): «مدیر مسئول در برابر نشر مضامین، محتویات برنامه‌ها و تولید پروگرام‌های هنری، آموزشی و تبلیغاتی خویش در رسانه‌های همگانی یا مؤسسات مندرج ماده ۲۷ این قانون مسئول می‌باشد.» بنابراین، با پذیرش این نظریه، برای سایر دست‌اندرکاران دخیل در امر چاپ، نشر توزیع و...، مطبوعات، مصنوعات ایجاد می‌شود.

## ۲. ۳. ۶. اصول دادرسی در جرایم رسانه‌ای

### الف. علنی بودن محاکمات

یکی از اصول دادرسی در جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای و یکی از راه‌های نظارت بر کار محاکم و حقوق افراد متهم علنی بودن محاکمه و رسیدگی است. علنی بودن رسیدگی قضایی و محاکمات موجب دقت بیشتر قضات و جلوگیری از اغراض شخصی، گروهی و سیاسی می‌شود (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۷۲). به همین دلیل به عنوان راه مناسبی برای اجرای صحیح عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق متهم مورد پذیرش جهانی قرار گرفته است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوايش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرفی منصفانه و علناً رسیدگی شود (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۰). به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، سری بودن جلسات دادرسی، تنها به جهات اخلاق حسنه، نظم عمومی، امنیت ملی و مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی امکان‌پذیر است (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴، بند ۱).

به موجب ماده ۱۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان: «در محاکم افغانستان، محکمه به صورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد. محکمه می‌تواند در

به شکایت از رسانه‌های همگانی و حل منازعات حقوقی آنان؛ ۵. احاله تخطی‌های جرمی رسانه‌های همگانی به مراجع عدلی.» (قانون رسانه‌های همگانی، ۱۳۸۸، ماده ۴۳، بندهای ۴ و ۵).

## ۱. ۳. ۶. مسئولیت کیفری در جرایم رسانه‌ای

در اکثر جرایم، مرتکبان یک جرم در زنجیره مباشر، شریک، معاون و...، به سادگی قابل تشخیص‌اند. در حالی که طبع خاص جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای که مستلزم دخالت افراد متعدد هم‌چون؛ نویسنده، صاحب امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر، خبرنگار، حروفچین، ویراستار، ناشر، چاپ‌کننده، توزیع‌کننده و...، در تحقق آن‌ها است، باعث پیچیدگی موضوع مسئولیت کیفری در این قلمرو شده است. از این‌رو، در این نوشتار ابتدا نظریه‌های موجود در باب مسئولیت کیفری در قلمرو جرایم رسانه‌ای، را بیان کرده و سپس به بررسی مسئولیت کیفری در جرایم رسانه‌ای، بر اساس قوانین جاری و نافذ کشور خواهیم پرداخت.

## الف. نظریه‌های مسئولیت کیفری در جرایم رسانه‌ای

در خصوص چگونگی احراز مسئولیت کیفری مرتکبان جرایم رسانه‌ای، سه نظریه ارائه شده است:

### ۱. مسئولیت جمعی (تضامنی)

بر اساس نظریه مسئولیت جمعی یا تضامنی همه کسانی که به نحوی از انحا در نوشتن، چاپ، انتشار و توزیع مطلب مجرمانه، دخیل‌اند، با عناوین مباشر، شریک و معاون جرم مطبوعاتی و رسانه‌ای تحت تعقیب قرار می‌گیرند. طبق این نظریه، اگر دو عنصر نوشته مجرمانه و انتشار آن، موجب تحقق جرم شده باشد، همه افراد موثر در این امر، اعم از نویسنده، صاحب امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر و...، دارای مسئولیت کیفری هستند. این نظریه ساده‌ترین نظریه موجود در این زمینه و مطابق قواعد کلی مسئولیت کیفری است و اولین بار در تدوین ماده ۲۴ قانون ۱۷ می ۱۸۱۹ میلادی، فرانسه، مورد توجه قرار گرفت. با پذیرش این نظریه و ایجاد احساس مسئولیت در افراد دخیل در چاپ، نشر و...، دفاع جامعه بهتر تضمین و تأمین می‌شود. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۸۷).

### ۲. مسئولیت ترتیبی

در نظریه ترتیبی، برای احراز مسئولیت کیفری مرتکبان جرایم رسانه‌ای، سلسله مراتب تعیین شده است. به این معنا که نویسنده مطلب به عنوان مسئول اصلی در طبقه اول، مدیرمسئول و ناشر در طبقه دوم و سایر افراد دخیل در امر چاپ و نشر در طبقات بعدی قرار می‌گیرند. طبق این نظریه غیر از نویسنده که به عنوان مسئول اصلی قابل تعقیب است، سایر مرتکبان در صورتی تحت تعقیب قرار می‌گیرند که در طبقه دوم آنان کسی تعقیب و دستگیر نشود (همان).

### ۳. مسئولیت شخص واحد

بر اساس این نظریه که آقای گارو فالو حقوق‌دان فرانسوی آن را «سیستم مجازات بر اساس غفلت» نامیده است، مسئولیت کیفری تنها بر عهده یک شخص (نویسنده یا صاحب امتیاز یا مدیرمسئول یا سردبیر) است (گارو، ۱۳۶۰، ج ۳: ۱۹۲).



حالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند، ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.» قانون‌گذار افغانستان، در قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۲، علنی بودن محاکمات را در همه جرایم به رسمیت شناخته است. به موجب بند ۱۶ ماده ۷ قانون مزبور: «مظنون، متهم و مسئول حق العبد در مراحل تعقیب عدلی، دارای حق به صورت علنی، می‌باشند.» ماده ۲۱۳ قانون مزبور نیز مقرر می‌دارد: «جلسه قضایی علنی بوده، هر شخص می‌تواند در آن حضور یابد، مگر این‌که، رئیس بخشی از جلسه یا تمام آن را نظر به دلایل اخلاقی، حفظ اسرار خانوادگی یا حفظ نظم یا امن عامه، سری اعلان نماید.» بنابراین، مطابق مواد قانونی فوق، رسیدگی به جرایم رسانه‌ای نیز علنی خواهد بود.

### ب. حضور هیأت منصفه در پدیده مجرمانه رسانه‌ای

جرایم رسانه‌ای بیش از سایر جرایم، جامعه را به طور مستقیم در معرض زیان و تجاوز قرار می‌دهد. به علاوه در جرایم رسانه‌ای، دخیل بودن افراد متعدد در تحقق پدیده مجرمانه، باعث پیچیدگی تشخیص جرایم مزبور گردیده است. از این رو، حضور هیأت منصفه (Jury) که نماینده وجدان جامعه و نشان‌دهنده افکار عمومی است، در جلسات رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای جهت احراز تقصیر متهم، بسیار بهتر و صائب‌تر است (مدنی، ۱۳۷۵: ۱۱۱) به همین دلیل به عنوان راه مناسب برای اجرای عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق متهم، مورد پذیرش جهانی قرار گرفته و در قوانین اساسی کشورها تجلی یافته است؛ اما قانون‌گذار افغانستان در مورد حضور هیأت منصفه در پدیده مجرمانه رسانه‌ای ساکت است.

چنان‌که ملاحظه شد، قانون‌گذار افغانستان صرفاً در مرحله بررسی و تشخیص اتهام، با پیش‌بینی کمیسیون ویژه در قانون رسانه‌های همگانی مصوب سال ۱۳۸۴، و تفویض این اختیار به کمیسیون رسانه‌ها، در بازنگری سال ۱۳۸۸، از روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه حمایت نموده است؛ اما در مرحله تعقیب، رسیدگی قضایی، صدور رای و اجرای آن، که مهم‌ترین مراحل است و باید با حضور هیأت منصفه انجام گیرد. ولی در مورد حضور هیأت منصفه ساکت است. در حالی که این مرحله نیز مهم است و بایسته است که برای تأمین عدالت قضایی و حمایت از حقوق روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه، جلسات دادرسی، محاکمه، رسیدگی قضایی و صدور حکم با حضور هیأت منصفه صورت گیرد.

### نتیجه‌گیری

برایند پژوهش نشان می‌دهد که قانون‌گذار افغانستان برای رسانه‌های جمعی، جایگاه ویژه‌ای قایل است. چنان‌که قانون رسانه‌های همگانی، بیش از هر قانون دیگری مورد توجه بوده است تا جایی که تا کنون چهار بار مورد تعدیل و بازنگری قرار گرفته است. این تعدیل و بازنگری‌های متعدد نشانه اهمیت و جایگاه ویژه رسانه‌های جمعی در نظام حقوقی افغانستان است. در عین حال، این خلأ نیز وجود دارد که در مورد رسیدگی به جرایم و تخلفات مطبوعاتی و رسانه‌ای در مراحل تعقیب، دادرسی، رسیدگی قضایی، محاکمه و صدور حکم که باید با حضور هیأت منصفه صورت گیرد، ساکت است و در این مورد از اصحاب رسانه، حمایتی به عمل نیاورده است. عدالت قضایی می‌طلبد که قانون‌گذار افغانستان این خلای

قانونی را مورد توجه قرار دهد.

### منابع

- قرآن کریم.
- آهنگ، محمدکاظم، «سابقه و آغاز ژورنالیزم در افغانستان»، مجله آریانا، سال ۲۶، شماره ۲۷۶، جوزا و سرطان ۱۳۴۷.
- انصاری، باقر و دیگران، مسئولیت مدنی و رسانه‌های همگانی، تهران: شابک، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- تافلر، آوین، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: فاخته، ۱۳۷۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- دادگران، سید محمد، مبانی ارتباط جمعی، تهران: مروارید و فیروزه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، کابل: انتشارات دانشگاه ابن سینا بلخی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- دولت‌آبادی، بصیر احمد، شناسنامه افغانستان، تهران، مؤسسه انتشاراتی عرفان، چاپ پنجم، ۱۳۹۰.
- دوروزه، موریس، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۹.
- رسولی، محمدشرف، روش و فنون قانون‌گذاری، کابل: انتشارات سعید، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- شریعتی، سعید، حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۶.
- علوی، رضا، کلیات حقوق، تهران: مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۸.
- فخار طوسی، جواد، امام خمینی و رسانه‌های گروهی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- فرهنگ، میر محمدصدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران: مؤسسه انتشاراتی عرفان، ۱۳۸۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲.
- قانون رسانه‌های همگانی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۴.
- قانون رسانه‌های همگانی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۸.
- کاتبی، حسین قلی، فرهنگ حقوق (فرانسه-فارسی)، تهران: گنج دانش، گارو، فالو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه سید ضیاء‌الدین نقابت، تهران: انتشارات ابن سینا بلخی، چاپ چهارم، ۱۳۶۰.
- مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پایدار، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
- مری لوئیس، کلیفورد، سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، تهران: انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- مهرپور، حسین، رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۰.
- ناصری، خالق‌داد، «نقش رسانه‌های تصویری در انتخابات افغانستان»، سخن صبا، (نشریه بنیاد علمی، فرهنگی صبا)، سال چهارم، شماره ۱۲-۱۳، ۱۳۹۲.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_\_، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.